

# مطالعه تفاوت‌های «خود» و «دیگری» در بستر تعاملی فضای واقعی و فضای مجازی "با تاکید بر شبکه اجتماعی فیس‌بوک"

مرتضی نورمحمدی [politic110@gmail.com](mailto:politic110@gmail.com)

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

رقيه محمدی [roghayeh.mohammadi@gmail.com](mailto:roghayeh.mohammadi@gmail.com)

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

## چکیده

در این مقاله با بهره‌گیری از پارادایم دو جهانی شدن‌ها که به شکل‌گیری دو جهان واقعی و مجازی در کنار هم اشاره دارد، تفاوت خود و دیگری در این دو فضا تحلیل می‌شود. از این رو، با استفاده از پارادایم دو جهانی شدن‌ها و بر اساس نظریه هویت اجتماعی که در آن خودشناسی بر محور تعامل با دیگری محقق می‌شود، نتیجه گرفته می‌شود که در بستر تعاملات مجازی، خود و دیگری متفاوت از بستر تعامل واقعی در حال شکل‌گیری است و مرز میان خود و دیگری در حال فروپاشی است. هم‌چنین در این مقاله، شبکه اجتماعی فیس‌بوک که قابلیت بهره‌گیری تمامی تعاملات مجازی شامل ایمیل، چت و گفتگو آنلاین را دارد، به‌عنوان بستر تعاملات مجازی خود و دیگری مورد مطالعه قرار گرفته است.

پارادایم دو جهانی شدن‌ها، هویت اجتماعی، فیس‌بوک

## مقدمه

انسان موجودی است، ذاتاً اجتماعی که در تعامل و ارتباط با دیگران به شناخت خود دست می‌یابد. در زمان‌های دور که زبان تنها راه ارتباط با دیگران بود، بشر راه برقراری ارتباط و رساندن معنی خود به آنان را تنها در محدوده جغرافیایی و زمانی تعریف می‌کرد که خود و دیگری در آن حضور داشتند. با رشد فناوری‌های ارتباطی هم‌چون تلگراف و تلفن، اگرچه پیام قابلیت جابه‌جایی و انتقال و سیع‌تری یافت؛ اما آن‌چه اینترنت را به‌عنوان یک «چندرسانه» وارد ارتباطات انسانی نمود، بستر تعاملی نوینی بود که تغییراتی در شناخت خود و دیگری ایجاد می‌کرد.

تا پیش از این، اجتماعی شدن در فضای واقعی در میان اعضای خانواده و گروه همالان و دوستان محقق می‌شد؛ اما با حضور فناوری‌های نوین ارتباطی، خصوصی‌ترین حیطه زندگی افراد یعنی اتاق‌های شخصی آنان، با دورترین نقاط جغرافیایی تنها با حرکت موس رایانه و اتصال به اینترنت مرتبط شد. این عدم جابه‌جایی مکانی — زمانی که با خصلت بی‌زمان بودن اینترنت همراه شد، قابلیت استفاده و بهره‌مندی از این فناوری را به میزانی افزایش داد که بخش زیادی از فرآیند اجتماعی شدن افراد به این فضا منتقل گردید. اگرچه درک تفاوت میان اجتماعی شدن بر اساس تعاملات رو در رو و تعاملات مجازی نیز می‌تواند در این حیطه اهمیت زیادی داشته باشد (Bayam, 2004: 299)؛ اما از آن‌جا که در بسیاری از تحقیقات نشان داده شده است، کسانی که تعاملات مجازی دارند، غالباً با همان افراد وارد تعاملات رودررو و تلفنی نیز می‌شوند (Miller, 2000). در این تحقیق به این مسئله پرداخته می‌شود که تا چه میزان «خود» و «دیگری» به‌عنوان دو مفهوم اساسی در شکل‌گیری هویت در بستر تعاملی فضای واقعی و فضای مجازی متفاوت هستند.

با ورود به قرن بیست و یکم و مشاهده استفاده روزافزون از اینترنت، تحقیقات بسیاری در مورد رابطه اینترنت و هویت صورت گرفت. در ایران، هویت قومی (فکوهی، ۱۳۸۴)، هویت اجتماعی (شکوری، رفعت‌جاه، ۱۳۸۷)، هویت خانوادگی (دوران، ۱۳۸۲)، هویت همالان (دوران، ۱۳۸۲)، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، برخی بر کاربرد اینترنت و رابطه آن با هویت و

ویژگی‌های شخصیتی (آزاد، بهرامی، شایق، ۱۳۸۸) و روانشناختی کاربران متمرکز شده‌اند، و گروهی تأثیر اینترنت را در سطح کلانی از هویت، هم‌چون هویت ملی و ابعاد خرد روانشناختی هم‌چون سلامت روان مورد تحقیق قرار داده‌اند. برای مثال، در طی تحقیقی نشان داده شده است که رابطه معناداری بین زمان استفاده از اینترنت و سلامت روان فرد و هویت ملی و مذهبی او وجود دارد و با افزایش استفاده از اینترنت، تغییرات در هویت ملی و مذهبی زودتر روی داده و سلامت روان فرد کاهش می‌یابد (علوی، هاشمیان، جنتی فرد، ۱۳۸۷).

در این تحقیق، با توجه به نظریات مربوط به هویت اجتماعی که درک ما از خود و دیگران را مورد بحث قرار داده است و با بهره‌گیری از پارادایم دو جهانی شدن‌ها (عاملی، ۱۳۸۲) به تفاوت‌هایی که در بستر تعاملی فضای واقعی و مجازی در «خود» و «دیگری» روی می‌دهد؛ پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، در این مقاله با تأکید بر هویت اجتماعی که نوعی خودشناسی با محوریت دیگران است، با بیان تغییر در بستر تعاملی از فضای واقعی به مجازی، تغییرات خود واقعی از مجازی، و دیگری واقعی از دیگری مجازی تحلیل می‌شود، هم‌چنین در این مقاله با تأکید بر شبکه اجتماعی فیس‌بوک که قابلیت بهره‌گیری تمامی تعاملات مجازی شامل ایمیل، چت و گفتگو آنلاین را دارد، این فضا به‌عنوان بستر تعاملات مجازی «خود» و «دیگری» مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### مبانی نظری

مفهوم هویت به دوره مدرنتیه مربوط است و از کارت تا هگل ادامه دارد (Castro, 2004: 471). هویت از دو دیدگاه روانشناختی و جامعه‌شناختی قابل بحث است. اولین روان‌شناسی که هویت را مهمترین عامل پیشرفت شخصی دانسته، اریک اریکسون است؛ اما فرآیند شکل‌گیری هویت، صرف‌نظر از عوامل فردی و شخصیتی روانشناختی، به عوامل اجتماعی نیز بستگی دارد. برای مثال، در جامعه‌ای که افراد به راحتی به اطلاعات در مورد هویت خانوادگی خود دسترسی دارند و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به خوبی دریافت و درونی می‌کنند، هویت این افراد ثبات و انسجام قابل توجهی دارد.

از این رو، در این مقاله تأکید بر دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در مورد هویت است. در میان دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، نظریهٔ کنش متقابل نمادین بیان می‌دارد که معناها به‌طور کلی و هویت به‌طور خاص، در جریان روابط متقابل با دیگران شکل می‌گیرد. به نظر جرج هربرت مید، نظریه‌پرداز برجستهٔ این دیدگاه، مجموعهٔ ویژگی‌هایی که فرد برای خود بر می‌شمارد در تعامل با دیگران و در سطح جامعه شکل می‌گیرد، از این رو با یادگیری زبان و در مراحل مختلف اجتماعی شدن، هویت فرد یا تصور او دربارهٔ خودش شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود (ریترز، ۱۳۷۷: ۲۷۹).

مانفرد کان، چهرهٔ شاخص دیگر این دیدگاه نیز، معتقد است که خود در جریان تعامل اجتماعی و شکل‌گیری نگرش‌های دیگران نسبت به خود شکل می‌گیرد. دیگرانی که فرد به‌نحوی با آن‌ها تعامل دارد و یا به‌نحوی از آن‌ها آگاهی دارد. کان، خود را مجموعه‌ای از نگرش‌ها و انتظارات دیگران تعریف می‌کند و برای شناخت هویت، آزمون بیست جمله‌ای از من کیستم را مطرح می‌کند (دوران، ۱۳۸۰: ۹۱).

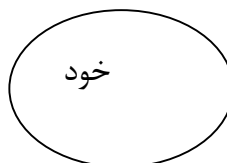
تئوری هویت اجتماعی نیز با این رویکرد در سال ۱۹۷۹ توسط هنری تاجفل و جان ترنر تدوین شد. سه ایدهٔ محوری مقوله‌بندی (رده‌بندی) که به کلیشه‌سازی در ذهن می‌انجامد، هویت‌یابی که از عضویت در گروه و درک من و او ریشه گرفته است و مقایسه که تحت تاثیر نظریات فستینگر است در نظریه تاجفل و ترنر اهمیت دارد (شالچی، ۱۳۸۴: ۸). این نظریه ادعا می‌کند که در اقدامات گوناگونی، ما خودمان را به‌عنوان افراد منحصر به فردی می‌شناسیم و در برخی اقدامات نیز به‌عنوان عضو گروه یا گروه‌هایی؛ از این رو هر دو نموده‌های معتبری از خود هستند، یعنی هویت اجتماعی ما به اندازهٔ هویت شخصی و محدوده‌ای که خودمان را در آن تعریف می‌کنیم، برای خود حقیقی هستند (شالچی، ۱۳۸۴: ۹). به اعتقاد جنکینز نیز تعاملی دوسویه میان هویت و زندگی اجتماعی جریان دارد. از سویی هویت، شرط لازم برای زندگی اجتماعی است و از سویی دیگر در فرایندهای اجتماعی شدن اولیه و متعاقب، در فرایندهای جاری تعامل اجتماعی که در چهارچوب آن‌ها افراد در طول عمرشان خود و دیگران را تعریف و باز تعریف می‌کنند، خود به‌طور کامل ساخته می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۵).

با توجه به مطالب فوق می‌توان ویژگی‌های هویت را به شرح زیر خلاصه کرد:

هویت اجتماعی، نوعی خودشناسی در ارتباط با دیگران است. فرآیند هویت‌سازی به فرد امکان می‌دهد که برای پرش‌های بنیادی معطوف به کیستی و چیستی خود، پاسخی مناسب و قانع‌کننده پیدا کند. در واقع، هویت از نیازهای روانی انسان و پیش‌نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است که به فرد امکان می‌دهد تا با دیگران به‌صورتی معنادار و پایدار ارتباط برقرار کند. با این حال، هویت، پدیده‌ای ذاتی نیست؛ بلکه تاریخی و وابسته به موقعیت و محصول کنش اجتماعی است. درحالی که هویت از انسداد و ثبات، گریزان است و با نوعی ثبات شخصیتی و دوام نسبی، همراه است (شکوری، ۱۳۸۷: ۶).

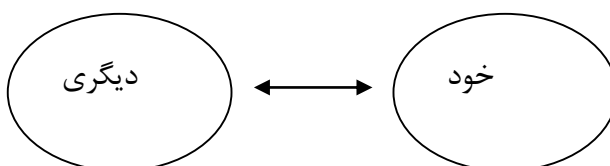
آزاد (۱۳۸۱) نیز به‌هنگام بیان عواملی که هویت را شکل می‌دهد مبتنی بر جامعه‌سنجی و مدرن‌دورویکرد مطالعه‌ای را یادآور می‌شود. از نظر ایشان مبنای هویت اجتماعی در جامعه‌سنجی انتسابی است و در جامعه مدرن یا مبتنی بر حضور فرد در ساختارهای تولیدی و یا رفتار مصرفی اوست. از این‌رو، در حال حاضر مصرف می‌تواند تعیین‌کننده ساختار هویت اجتماعی افراد باشد. همان‌طور که بیان شد هویت اجتماعی نتیجه تعامل خود و دیگری است و حوزه مصرفی که مصرف‌رسانه‌ای نیز در آن جا می‌گیرد می‌تواند از مهم‌ترین بسترها و ساختارهای شکل‌گیری و یا تغییر خود و دیگری در جامعه مدرن باشد.

لایس (۱۹۸۶) در این باب بیان کرده است که فرهنگ دوره متأخر مدرنیته بصری است و از این‌رو، بدن را به‌عنوان بصری‌ترین هویت خویشستن، عامل ارائه خود می‌داند. از این‌رو، در تعاملات واقعی بدن به‌عنوان مظهر ارائه خود شناخته می‌شود. هربرت دریفوس نیز در کتاب نگاهی فلسفی به اینترنت در نقد طرفداران جانشینی ارتباطات مجازی به جای ارتباطات واقعی می‌نویسد: «اگر بدن‌ها از دست برود ارتباط، مهارت، واقعیت و معنا هم از دست می‌رود (دریفوس، ۱۳۸۳: ۲۰). از این‌رو، در نظریه‌های پیشین افراد به دلیل داشتن جسمیت‌های متفاوت از یکدیگر متمایز از دیگرانی هستند که فقط ربط بیرونی با آن‌ها دارند. در نتیجه ارتباط خود با دیگری به شکل زیر ترسیم می‌شود.



**شکل ۱. ارتباط میان خود و دیگری به طور کاملاً مجزا است (فی، ۱۳۸۱: ۸۹).**

حتی در رویکردی که انسان را ذاتاً اجتماعی می‌داند و به تعاملات میان خود و دیگری بسیار اهمیت می‌دهد، این ارتباط به شکل زیر است:



**شکل ۲. در حالی که خود ذاتاً اجتماعی است (فی، ۱۳۸۱: ۸۹).**

در عصر ما حضور خود و دیگری فراتر از تعاملات رودررو و وابسته به جسم است، و بسیاری از تعاملات در فضای مجازی که این جسمیت از بین می‌رود، در حال وقوع است. حال این سوال اساسی پیش می‌آید که کدام یک از نظریات فوق می‌توانند تبیین‌گر این شرایط باشند تا بتوانند تفاوت‌های خود و دیگری در بستر تعامل مجازی را تحلیل کنند؟

از این‌رو، بایستی پارادایم دو جهانی شدن‌ها را مورد توجه قرار دهیم، پارادایمی که بر این نظریه تأکید می‌کند که صنعت ارتباطات به‌طور عام شرایط سرعت یافته‌ای را برای حرکت جمعیت، ارتباطات بین فردی و نزدیکی فضاها فراهم آورده است. این روند در فضای واقعی و مجازی روی می‌دهد. بر اساس این پارادایم، جهانی شدن‌ها در دنیای واقعی تحت تأثیر حمل و نقل است و جهانی شدن‌های فضای مجازی محصول صنعت همزمان ارتباطات است و این صنعت امکان انتقال همزمان انسان بی‌بدن و یا به عبارتی انتقال خواسته‌ها، آرزوها و اطلاعات انسانی را فراهم می‌کند (عاملی، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

از این‌رو، بر اساس نظر عاملی (۱۳۸۲) کره جدیدی به جهان ما اضافه شده است که از آن می‌توان به کره زمین مجازی تعبیر نمود؛ این کره جهان واقعی است که از ظرفیت‌های منعطف، متحرک، غیر مرکزی، به هم پیوسته، دیجیتالی، قابل دسترسی و برخوردار از ظرفیت‌های غیر

قابل مقایسه با کره فیزیکی زمین برخوردار است. از این‌رو، همهٔ واقعیت‌ها نه به صورت فیزیکی بلکه به صورت «واقعیت مجازی» به ما انتقال پیدا می‌کند (عاملی، ۱۳۸۵: ۷-۸).

از دیدگاه عاملی (۱۳۸۲) هر دو جهان واقعی و مجازی از نظر هستی‌شناسی متعلق به یک جهان هستند و همهٔ اتفاقات در یک جهان روی می‌دهد؛ اما تفکیک این دو جهان از هم، ظرفیت‌های جدید جهان مجازی را در پرتو زمان و مکان مجازی برای ما روشن می‌سازد که قادر است منجر به تفاوت‌ها و تغییراتی در جهان ما گردد. از این‌رو، این پارادایم می‌تواند تفاوت‌های خود و دیگری را در بستر تعاملی فضای واقعی و مجازی تبیین کند، با این پیش فرض که جهان مجازی با قابلیت‌های منحصر به فرد خود در فضای تعاملی نوینی که شکل داده است، تغییراتی در خود و دیگری ایجاد می‌کند.

همان‌طور که گفته شد فضای مجازی بر بستر همزمانی صنعت ارتباطات قرار داد، این که زمان مجازی چه قابلیت‌هایی دارد که تعاملات مجازی از آن می‌تواند استفاده کند نیز اهمیت دارد، از این رو به مختصر در این باب توضیح می‌دهم.

عاملی (۱۳۸۵) معتقد است که زمان مجازی از سه خصوصیت مهم برخوردار است:

۱. ابدیت نسبی زمان: مرگ و زندگی در زمان فضای مجازی بی‌معناست. از آنجایی که اطلاعات دائماً در فضای مجازی انباشت می‌شود، بدون وابستگی صرف به دنیای واقعی اطلاعات می‌توانند در این فضا بدون مرگ ماندگاری نسبی ابدی داشته باشند.

۲. حضور عمودی و افقی زمان: زمان در این فضا به دلیل «قابلیت هندسی زمان مجازی» و «دیجیتال بودن زمان» از خصیصه غیر مرکزی و تولید متکثر زمان برخوردار است، از این‌روست که در این فضا ایمیل‌ها به میلیون نفر در یک زمان فرستاده می‌شود و امکان دسترسی همزمان ایجاد می‌گردد، بدون این که روز به شب تغییر کند.

۳. غیر مرکزی شدن فضا و زمان: در فضای مجازی امکان حضور همگان به‌طور مساوی در یک فضای مشترک و در یک زمان مشترک وجود دارد. از این‌رو، محدودیت زمانی و مکانی کاملاً در این فضا نادیده گرفته می‌شود.

بر این اساس، تعاملات مجازی که در بستر فضایی و زمانی فضای مجازی محقق می‌شوند، نمی‌توانند با تعاملات دنیای واقعی یکسان باشند. از این‌رو، با تفاوت در بستر تعاملی افراد و از

آنجا که شناخت از خود در بستر تعاملی با دیگران روی می‌دهد، این بستر جدید در خود و دیگری نیز تغییر ایجاد می‌کند.

### ارتباط خود و دیگری

همان‌طور که پیش از این گفتیم، هویت فردی، منعکس‌کننده تلقی است که فرد از خود و دیگری از او دارد. این تلقی از خود و دیگری از او در جریان تعاملات رو در رو، به بهترین شکل سامان می‌گیرد، یعنی فرد در جریان تعاملات اجتماعی در می‌یابد نقش اجتماعی او چیست و حوزه فردی مربوط به او تا چه اندازه متفاوت از دیگران است. همان‌طور که عاملی در مقاله «فردگرایی جدید و تلفن همراه» بیان نموده است: «چگونگی خود و یا فرد، در ارتباط معناداری با ذهنیت و عینیت‌های فردی است. تلقی فرد از زندگی و انتظارات او از «نقش اجتماعی» و «حوزه فردی» همراه با نوع ارتباطی که با دیگران در مسیر زندگی برقرار می‌کند، حوزه فردی او را شکل می‌دهد.» (عاملی، ۱۳۸۵: ۵). از این رو، اهمیت خودشناسی و درک حوزه‌های فردی تنها در ارتباط با دیگری محقق می‌شود، از این رو، انسجام در هویت، زمانی روی می‌دهد که تمایز میان ما و آنها به خوبی مشخص باشد (Walhof, 2006: 573).

برای درک تمایز میان خود و دیگری، برخی جنس، نژاد، فرهنگ و پس‌زمینه اجتماعی را ریشه درک تفاوت بین خود و دیگری دانسته‌اند (Castro, 2004: 475)، این در حالی است که برخی عشق، نفرت، آرزو و نگرانی را که در جریان اجتماعی شدن ایجاد می‌شود، عامل درک مفهوم خود و دیگری در دوره کودکی می‌دانند (Ibid: 474). به هر حال آنچه اهمیت دارد این است که تعریف ارتباطات اجتماعی و مرزهای اجتماعی با درک تفاوت‌ها از دیگری شکل می‌گیرد؛ در نتیجه این که من با دیگری چه ارتباطی دارم و او با من چه ارتباطی؛ هم‌چنین آنها چگونه فکر می‌کنند، تفاوت‌هایی هستند که بر اساس آنها دیگری و خود تفاوت‌هایشان مشخص می‌شود (Castro, 2004: 475). این نکته در این جا حائز اهمیت است که هر فردی یک خود دارد این در حالی است که هر فردی می‌تواند بر اساس موقعیت‌های مختلف هویت‌های متفاوت و بسیاری داشته باشد، هم‌چون آنچه در خانواده و میان گروه و مدرسه از خود نشان می‌دهد (Harter, 1999; Hogg et al., 1995). این بدان معنی است که



هویت بخشی از خود را نشان می‌دهد که در دسترس است و در موقعیت خاصی برجسته است و متقابلاً مورد تأثیر محیط است (Finkenauer et al. 2002: 2). در این مقاله خود و دیگری خارج از مفهوم هویت‌های موقعیتی مد نظر است.

### بستر تعاملی فضای واقعی

جهان واقعی در محدودهٔ زمان و مکان محصور است. جغرافیای فیزیکی با مرزهای مشخص سیاسی و فرهنگی و مفاهیم گذشته، حال و آینده اهمیت دارند، از این رو، بستری که تعاملات واقعی از آن ریشه می‌گیرد، در قید زمان و مکان مشخصی است. اجتماعات واقعی از دیرباز تاکنون محل تعامل افراد متفاوت با یکدیگر بوده است؛ این در حالی است که عضویت در این اجتماعات واقعی امری ملموس و مشهود بوده است و امکان کمتری برای عضویت حاشیه‌ای افراد وجود داشته است. هم‌چنین در اجتماعات واقعی غالباً افراد را به پذیرش هنجارهای گروه ترغیب می‌کنند و قابلیت انتخاب فردی در این اجتماعات کم است (عیاری، ۱۳۸۴: ۴۶).

نکتهٔ حائز اهمیت دیگر در ارتباطات رو در رو این است که غالباً خود اظهاری محدودیت‌های بسیاری دارد (اندرسون: ۲۰۰۲)، شاید از دلایل این محافظه‌کاری نگرانی از عدم پذیرش گروه، مخاطب و یا طرد شدن اجتماعی باشد. علاوه بر این، یکی از مسائل مهم در تعاملات فضای واقعی اهمیت آشنا بودن است، در نتیجه در بسیاری از تعاملات شبکه‌های واقعی و حتی در تعاملات بین فردی، کسانی که گمنام هستند غالباً طرد می‌شوند. از سوی دیگر در ارتباطات رودررو این زبان است که به‌عنوان واسطه عمل می‌کند و چون زبان پیچیدگی‌های کمتری نسبت به سایر رسانه‌ها دارد، کنترل بر فرآیند ارتباط رودررو نسبتاً ساده است.

### خود و دیگری در دنیای واقعی

خود و دیگری در دنیای واقعی در تعامل رودررو قرار دارند، تعاملی که مبنای آن بر حضور فیزیکی هم‌زمان خود و دیگری است. بر اساس نظر سیمل (۱۹۸۷) دیگری بر اساس دوری و نزدیکی تعریف می‌شود در نتیجه مکان و موقعیت در تعریف خود و دیگری اهمیت دارد (Castro, 2004: 476). از این رو بسیاری از افرادی که در محیط‌های فیزیکی نزدیک

به ما هستند نزدیک به خود ما تلقی شده و در دایره خود قرار می‌گیرند و کسانی که دورتر از موقعیت جغرافیایی ما قرار دارند به دلیل اینکه تفاوت جغرافیایی بیشتری از ما تجربه می‌کنند، دیگران نامیده می‌شوند. همچنین دیگری در دنیای واقعی و تعاملات ما با آن بیشتر بر اساس دشمنی و تعصب است و این از آن روست که تفاوت‌های مبتنی بر مرزها را بیشتر احساس کرده در نتیجه گاهی این دیگری برای ما غیر قابل تحمل نیز به نظر می‌رسد (Castro, 2004).

(483-491 علاوه بر موارد فوق اعتماد متقابل، صداقت و راستی برای خود و دیگری در تعاملات واقعی بسیار اهمیت دارد و مبتنی بر آن‌ها، خود باوری بسیار قوی است.

### بستر تعاملی فضای مجازی با تاکید بر شبکه اجتماعی فیس بوک

یکی از خصلت‌های فضای مجازی تعاملی بودن آن است. از این رو، از هر فضای وبی انتظار می‌رود تعاملی بودن آن به عنوان یک موجود زنده بسیار بالا باشد، در غیر این صورت از آن جا که این فضا از قابلیت فضای مجازی استفاده نموده، دچار مرگ می‌شود (عاملی، ۱۳۸۵: ۱۹). از دیگر خصلت‌های فضای مجازی قابلیت بی‌زمانی و بی‌مکانی آن است.

در این باب جود یورک بر اساس اهمیت زمان و مکان در فضای مجازی معتقد است که ۴ نوع کار مشاعی داریم که آن را می‌توان به ۴ نوع تعامل نیز سرایت داد (Gillam, 2006: 164).

### جدول شماره ۱: تعامل خود و دیگری در بستر زمان و مکان

ایمیل	یادداشت	چت	تعامل رودررو	مقولات
متفاوت	متفاوت	یکسان	یکسان	زمان
متفاوت	یکسان	متفاوت	یکسان	مکان

چت ارتباط همزمان الکترونیکی است. ارزان، فوری و غیر رسمی است. از آنجایی که در چت مجموعه‌ای از افراد ممکن است در صدد ارتباط برقرار کردن باشد، امکان از دست دادن بسیاری از اطلاعات وجود دارد. از این رو، بهتر است کاربران در مورد این احتمال دقیق باشند. ایمیل نیز به دلیل قابلیت ارسال مدارک و اطلاعات به همراه پیغام اصلی در تعاملات مجازی بسیار استفاده می‌شود. یادداشت نیز مکان یکسانی است که چه در فضای مجازی و چه فضای واقعی (همانند بورد) برای نصب اطلاعیه‌ها و پیغام‌ها مشخص شده و افراد در زمان‌های متفاوت نظرات خود را بر روی آن نوشته و یا نصب می‌کنند. شبکه اجتماعی فیس‌بوک با دارا بودن قابلیت چت، ایمیل و یادداشت در صفحه اصلی هر کاربر، مجموعه کاملی از فضای مجازی را برای تعامل خود و دیگری ایجاد نموده است. همچنین، در تعاملات مجازی موجود در گروه‌ها و شبکه‌های مجازی همانند فیس‌بوک، امکان عضویت آزاد برای همگان و تعامل فعال افراد وجود دارد که به رد و بدل کردن سریع اطلاعات کمک می‌کند و با تقسیم مسئولیت در بین اعضا هزینه تعاملات را اندک می‌کند (Gillam, 2006: 162).

در اجتماعات مجازی افراد عموماً به نوعی مبهم باقی می‌مانند و از این رو، در فیس‌بوک به راحتی با افرادی روبه‌رو می‌شویم که صرف‌نظر از حضور، مشارکتی در گفتگوها ندارند، با این وجود قابلیت انتخاب و اختیار نقش بسیار مهمی در اجتماعات مجازی ایفا می‌کند و آزادی فردی سبب می‌شود بروز شخصیت از طرف کاربران بیش از تعاملات رودررو باشد (عیاری، ۱۳۸۴: ۴۶). البته در فیس‌بوک همچون دیگر تعاملات مجازی این هراس وجود دارد که آیا اطلاعاتی که افراد از خود در معرض نمایش گذاشته‌اند، صحت دارد یا خیر؟ برای مثال در یک کار تحقیقاتی، یک روانپزشک مرد در فضای مجازی خود را زن معرفی کرد و توانست

به راحتی از یک سری زنان اطلاعات صمیمانه و خصوصی آن‌ها را در مورد برخوردهای جنسی‌شان دریافت کند و آن‌ها را فریب دهد (Gelder, 1991) و اینجاست که فرنکل و سنگ (۱۹۹۹) نیز تصدیق می‌کنند که در تعاملات مجازی بدلیل عدم حضور جسم، امکان پنهان کردن خود بیشتر است و کشف فریب کمتر از ارتباطات آفلاین یا رودررو است.

در تعاملات مجازی موجود در فیس‌بوک امکان ارتباطات گروهی و تعاملات فردی به طور همزمان وجود دارد، هم‌چنین افراد از ملیت‌های متفاوت با ساختارهای متفاوت در دنیای واقعی، در کنار هم قرار گرفته‌اند، از این‌رو، درگیری میان خود و دیگری بسیار گسترده‌تر از فضای تعاملی دنیای واقعی است؛ با این وجود خود اظهاری در این فضا بسیار بیشتر از فضای تعاملی واقعی است.

هویت مجازی هم‌چون هر هویت دیگری یک سازه ارتباطی است که تحت تاثیر ویژگی‌های اجتماعات مجازی شکل می‌گیرد (عیاری، ۱۳۸۴: ۶۲). آنچه در این هویت با همه هویت‌هایی که وابسته به موقعیت از خود بروز می‌دهیم، در اشتراک است؛ تعامل میان خود و دیگری در شکل‌گیری این هویت است. با این وجود زمانی که در فضای مجازی دیگر مرجع‌های قدرتمند برای تطبیق هویت با آن وجود ندارد، دیگر هیچ چیز بر قالب هویت پیشین گذشته معنا ندارد (O'Neill, 2001: 71). از این‌رو، خود و دیگری در فضای مجازی تحت تاثیر قابلیت‌های جهان مجازی است. از نگاه آنتونی الیوت (۲۰۰۵) در کتاب «مفاهیم خود»، خود از یک ماهیت منعطف، شکننده، تجزیه‌پذیر و غیر مرکزی برخوردار است. بر همین مبنا، خود مفهومی است که در جامعه پیچیده جدید، موضوع «پراکندگی» و چند رگه‌ای شدن هویتی و حوزه مستقل اجتماعی، شده است. خود در فضای تعاملی مجازی چند تکه و ناهمگون است، در ست همانند دیگری که هیچ مرز مشخصی برای تعریف او وجود ندارد. در تعاملات مجازی مشخص نیست که دیگری حقیقتاً کیست؛ امری که برای درک دیگری در فضای واقعی اهمیت می‌یابد (Castro, 2004: 485). از این‌رو، به چند دلیل بدینی در مورد دیگری در فضای تعاملی مجازی به نسبت کمتر از فضای واقعی است: نخست آن که میزان

آسیب‌پذیری در فضای مجازی کمتر احساس می‌شود، دوم آن‌که تفاوت‌ها نیز کمتر به نظر می‌رسد، زیرا که مرزهای فیزیکی که همواره برای تعریف تفاوت‌ها وجود داشتند؛ از بین رفته‌اند. سوم و مهم‌تر از همه این‌که همانطور که در فضای مجازی خود بسیار شکننده و ناهمگون است، دیگری هم همانند خود، به همین میزان شکننده و ناهمگون متصور می‌شود و این یکسانی در خود و دیگری در فضای مجازی، مهم‌ترین تغییر خود و دیگری در بستر تعامل مجازی است. در شبکه اجتماعی فیس‌بوک، افراد از ملیت‌های متفاوت با طبقات اجتماعی متفاوت و همین‌طور تفکرات و عقاید متفاوت در دنیای واقعی، در یک فضای کاملاً مشترک قرار می‌گیرند که در آن حرکت جهت رسیدن به وفاق است. اگرچه در این فضا امکان آشنایی با دیگری می‌تواند وابسته به شناخت در فضای واقعی باشد و تعداد بسیاری از کسانی که در این فضا با یکدیگر به تعامل می‌پردازد در دنیای واقعی به خوبی یکدیگر را می‌شناسند؛ اما قابلیت این شبکه برای در تعامل قرار دادن افراد از مرزهای متفاوت جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی بی‌نظیر است. از این‌رو، هر خودی می‌تواند در تعامل با هزاران دیگری قرار گیرد که تمامی موجودیت او همانند خود او در این فضا انعکاس یافته است. یکسانی خود و دیگری به دلیل کمرنگ شدن تفاوت‌ها در این محیط و شریک شدن در زندگی یکدیگر بسیار بالاست. از این‌رو، خود و دیگری به میزان بسیاری در این فضا به یکدیگر نزدیک می‌شوند و محدودیت‌ها و مرزهای فضای واقعی را نادیده می‌گیرند.

### نتیجه‌گیری

امروز تعاملات ما در دو بستر متفاوت واقع می‌شود. بستر تعاملی فضای واقعی و مجازی. دو جهانی که در کنار هم و با قابلیت‌های متفاوت زندگی اجتماعی ما را شکل می‌دهند. هویت اجتماعی ما که در بستر این دو حیات اجتماعی شکل می‌گیرد، تحت تأثیر فرصت‌ها و چالش‌های این دو فضا است. خود و دیگری به عنوان دو مفهوم اساسی در هویت که تحت تأثیر تعاملات اجتماعی و درک ما از تفاوت‌های خود و دیگری شکل می‌گیرد، امروز به‌طور مداوم در بین این دو جهان در حال حرکت است. فضای واقعی با مرزهای مشخص، تعاریف مشخص و قوانین نوشته شده مشهود و ملموس تعاملات رو در رو را به نحوی سامان داده است

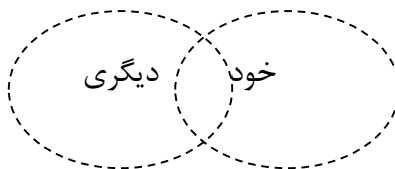
که در آن خود و دیگری بر اساس مرزهای مطابق این الگو شناسایی شده و سامان می‌گیرند. همان‌طور که پیش از این و در مباحث نظری نیز گفته شد، خود و دیگری در فضای واقعی به عنوان دو موجودیت مستقل هستند که بر اساس تمایزات از هم شناخته شده شکل می‌گیرند، از آن‌جا که بدن به عنوان آشکارترین و ابتدایی‌ترین مرز میان خود و دیگری در فضای واقعی اهمیت دارد، هر فرد حیطة خود را درون بدن خود و حیطة دیگری را در خارج از بدن خود می‌یابد. این درک از خود و دیگری در دنیای واقعی مطابق با دیگر مرزهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و طبق تغییرات در زمان توسعه می‌یابد. از این‌رو، خود در مرزهای داخلی یک کشور می‌تواند مفهوم کلان‌تری باشد که از دیگری در خارج از مرزهای سیاسی به خوبی شناخته شده است. از این‌رو، می‌توان شکل زیر را برای خود در سطوح مختلف متصور بود.



#### شکل شماره ۴. حیطة‌های تعریف خود

مرز تشخیص خود فردی بدن انسان است، خود محلی خودی است که مرز آن شهر و یا حتی خانه است، و خود ملی به مرزهای سیاسی مربوط می‌شود و با بیشتر شدن مرزها تعریف از خود پررنگ‌تر و واکنش به دیگری شدیدتر می‌شود.

این در حالی است که با فاصله‌گیری از زمان و مکان در تعاملات مجازی یک بی‌ریشگی روی می‌دهد، این بی‌ریشگی یعنی جدا شدن روابط اجتماعی از محیط‌های محلی و تجدید ساختار آن در پهنه‌های زمانی و مکانی نامشخص (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۶۷). از آن‌جا که فضای مجازی، فضایی است که در آن پهنه‌های زمانی و مکانی وجود ندارد، این بی‌ریشگی اگرچه دائماً از طریق رفت و برگشت میان فضای واقعی و مجازی اصلاح می‌شود؛ اما خود در فضای مجازی به نسبت بازگشت آن به فضای واقعی با خود واقعی ارتباط پیدا می‌کند و این برای دیگری مجازی نیز متصور است. از این‌رو، همانند دو جهان واقعی و مجازی که با یکدیگر تلاقی پیدا کرده‌اند، هم اینک خود و دیگری نیز در فضای مجازی دچار تلاقی شده‌اند؛ این بدین معنی است که همان‌طور که دیگری در فضای مجازی با بی‌اعتمادی نگرسته می‌شود، خود نیز همواره دچار تشویش و پریشانی است و بر خلاف دنیای واقعی، خود در فضای مجازی برای فرد باورپذیر نیست. در نتیجه به همین میزان که به دیگری با بدبینی می‌نگریم خود مجازی را نیز با بدبینی تجربه می‌کنیم. با از بین رفتن جسمیت در فضای مجازی مرجع باور و اتکا به خود در این فضا از بین می‌رود و به میزانی که فرد، خود و دیگری را تنها در این فضا دریابد، می‌تواند مفاهیم متفاوتی از خود و دیگری نسبت به دنیای واقعی درک کند. از این‌رو، درک خود و دیگری بر اساس شکل زیر برای کاربرانی که میزان زیادی از تعاملات خود را از طریق شبکه‌های تعاملی مجازی هم‌چون فیس‌بوک سامان می‌دهند، به وجود می‌آید.



شکل شماره ۵: خود و دیگری در بستر تعاملی فضای مجازی که مرز آن در حال فروپاشی

است

این بدین معنی است که مرز میان خود و دیگری در فضای مجازی در حال فروپاشی است و خود و دیگری مجازی به سمت یکی شدن پیش می‌روند. یکی شدن خود با دیگری به دلیل کمرنگ شدن تفاوت‌ها و از بین رفتن جسمیت و فروپاشی مرزها در این فضا تا جایی است که

به میزانی که کاربری فرد از شبکه اجتماعی بیشتر باشد، تعریف او از دیگری به خود بسیار نزدیک می شود و باور فرد از خود نیز به میزان باور او از دیگری نزدیک می گردد. برای کاربران اینترنتی پر مصرف خود مجازی، یکسان با دیگری مجازی است از این رو، مرزهای این دو نسبتاً با هم منطبق است.



شکل شماره ۶: یکی شدن خود و دیگری در بستر تعامل مجازی

این پدیده بدین معنی است که آن چه برای «خود» و «دیگری» در فضای واقعی تعریف شده است، در فضای مجازی قابلیت انتقال ندارد. دشمنی و خصومت با دیگری در این فضا بسیار کم رنگ است و میزان بی اعتمادی به دیگری به اندازه بی اتکایی و بی توجهی به خود است. در نتیجه، در بستر تعاملات مجازی به میزانی که دیگری ناشناس و گمنام است، خود نیز ناشناخته باقی می ماند و تنها راه مشخص شدن مرز خود و دیگری بازگشت به جهان واقعی و تکیه بر مرزهای جغرافیایی و تعاریف آن در دنیای واقعی است. درک تفاوت های خود و دیگری در بستر تعاملی فضای واقعی و مجازی، به سیاستمداران و فرهنگ سازان کمک می نماید تا در برنامه ریزی برای هویت یابی جوانان الگوهای مبتنی بر فضای واقعی را که بر تفاوت با دیگری استوار است، تلطیف نمایند. ایجاد محرک ها و جذابیت های قوی در دنیای واقعی برای شکل گیری خود منسجم در دوره کودکی و نوجوانی، هو شیاری در باب تحولاتی را به ارمغان خواهد آورد که در ارتباط با فضای مجازی در آینده برای کاربران ایجاد می گردد، لذا برنامه ریزی در این حوزه بسیار ضروری است. **فهرست منابع**

#### - فارسی

- آزاد ارمکی، تقی. چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱). بدن به مثابه رسانه هویت. مجله جامعه شناسی

ایران، دوره چهارم، شماره ۴، صص ۵۷-۷۵.



- خلیلی، پگاه. (۱۳۸۴). وبلاگ نویسی در ایران مطالعه کمی و کیفی نحوه ی ابراز هویت با تاکید بر وبلاگ های شخصی. پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- دریفوس، هیربرت. (۱۳۸۳). نگاهی فلسفی به اینترنت، ترجمه علی ملائکه، تهران: گام نو، چاپ اول.
- دوران، بهزاد. (۱۳۸۱). تاثیر اینترنت بر هویت همالان. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۳
- دوران، بهزاد. (۱۳۸۲). تاثیر فضای هرمنوتیک بر هویت اجتماعی. رساله دکتری جامعه شناسی، به راهنمای منوچهر محسنی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۷). نظریه های جامعه شناسی دزدنیای معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- شالچی، سمیه. (۱۳۸۴). هویت بازاندیشانه و رسانه: بررسی شکل گیر هویت بازاندیشانه و ارتباط ان با رسانه، پایان نامه اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- شایق، سمیه. آزاد، حسین. بهرامی، هادی. (۱۳۸۸). بررسی اعتیاد به اینترنت و رابطه ی آن با ویژگی های شخصیتی در نوجوانان تهران. مجله ی علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، شماره ۲. صص ۱۴۹-۱۵۸.
- شکوری، علی. رفعت جاه، مریم. (۱۳۸۷). اینترنت و هویت اجتماعی. مجله جهانی رسانه، شماره ۵.

-عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۴). دو فضایی شدن شهر: شهر مجازی ضرورت بنیادین برای کلان شهرهای ایران، فصلنامه انجمن فرهنگ و ارتباطات، شماره ۲ و ۳، صص ۱۱۷-۱۳۴.

-عاملی، سعید رضا. (۱۳۸۵). دو فضایی شدن کره زمین و توسعه واقعی - مجازی: شاخص های کاربردی ارزیابی "فضای وبی ایرانی"، ارزیابی فضای مجازی ایرانی: مجموعه مقالات دانشجویی، تهران: گروه ارتباطات و موسسه مطالعات امریکای شمالی و اروپای دانشگاه تهران و شورای عالی اطلاع رسانی.

-عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۵). فردگرایی جدید و تلفن همراه: تکنولوژی فردگرایی و هویت. مجله جهانی رسانه، شماره ۱.

-عیاری، آذرنوش. (۱۳۸۴). هویت قومی در اینترنتف بررسی عملکرد اینترنتی گروه های قومی آذریف بلوچ، ترکمن، عرب خوزستانی و کرد. پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

-فکوهی، ناصر. عیاری، آذرنوش. (۱۳۸۸). اینترنت و هویت در پنج هویت قومی ایرانی. مجله جهانی رسانه، شماره.

-فی، برایان. (۱۳۸۱). فلسفه امروزی علوم اجتماعی؛ نگرشی چند فرهنگی. ترجمه ی خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

-محمدی، بیوک. (۱۳۸۷). درامدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

-هاشمیان، کیانوش. علوی، سید سلمان. جنتی فرد، فرشته. (۱۳۸۷). مقایسه هویت و سلامت روان در دانشجویان استفاده کننده از اینترنت و محیط های مجازی دانشگاه تهران. تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۶، شماره ۱.

-لاتین

-Abelson, H. Lessig, L. (1998).

Digital Identity in Cyberspace. Available at <http://www.swiss.ai.mit.edu>.

-Baym, K. N. Zhang, Y. B. & Lin, M. C. (2004).

Social Interactions Across Media: Interpersonal Communication on the Internet, Telephone and Face-to-Face. *New Media Society*; 6; 299.

-Castro, L. R.de. (2004). Otherness in me, Otherness in Others: Children's and youth's constructions of self and other Childhood, 11; 469.

-Finkenauer, C., Engels, R.C.M.E. Meeus, W & Oosterwegel, A. (2002). 'Self and Identity in Early Adolescence: the Pains and Gains of Knowing Who and What You Are', in T.M. Brinthaup and R.P. Lipka (eds) *Understanding Early Adolescent Self and Identity: Applications and Interventions*, pp. 25-56. Albany: State University of New York Press.

-Frankel, M. S., & Sang, S. (1999). Ethical and legal aspects of human subjects research on the Internet: A report of a workshop. Retrieved May 15, 2002, from <http://www.aaas.org/spp/dspp/sfrl/projects/intres/report.pdf>.

-Gelder, V. L. (1991). "The strange case of the electronic lover". In C. -Dunlop & R. Kling (Eds.), *Computerization and controversy*:

- Value conflicts and social choices (pp. 364-375). Boston: Academic Press.
- Gillam, C., & Oppenheim, C. (2006). Reviewing the impact of virtual teams in the information age, *Journal of Information Science*, pp. 160–175.
- Harter, S. (1999) *The Construction of the Self: A Developmental Perspective*. New York: Guilford Press.
- Hogg, M.A. Terry, D.J. & White, K.M. (1995). 'A Tale of Two Theories: a Critical Comparison of Identity Theory with Social Identity Theory', *Social Psychology Quarterly* 58(4): 255–69.
- Miller, & Slater. (2000). *Pew Project on the Internet and American Life*. UCLA Center for Communication Policy, 2000, 2001, 2002.
- O'Neill, J. (2001). *Oh, My Others, There is No Other!:* Civic Recognition and Hegelian Other-Wiseness. *Theory Culture Society*; 18; 77.
- Patti, M. V. Schouten, A. P. & Peter, J. (2005). *Adolescents' identity experiments on the internet*. SAGE Publications, London, Thousand Oaks, CA and New Delhi, Vol7(3):383–402.
- Walther, J. B., Heide, B. V. D., Hamel, L. M. & Shulman H. C. (2009). *Computer-Mediated Communication: A Test of Warranting Theory Using Self-Generated Versus Other-Generated Statements and Impressions in Facebook*. Sage Publications, Volume 36 Number 2, PP. 229-253.
- Walhof, D. R. (2006). "Friendship, Otherness, and Gadamer's Politics of Solidarity". *Political Theory*; 34; 569.
- Whittle, David B. (1997). *Cyberspace: The human dimension*, New York: W.H. Freeman and Company.